

به نام خدا

بررسی پایگاه اجتماعی معلمان

مولفان :

زینب قاسم زاده مایانی

منیژه صوفیانی

سمیه طایفه مرندی

لیلا بهمرازم

الهام آسیابی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: قاسم زاده مایانی، زینب، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور: بررسی پایگاه اجتماعی معلمان / مولفان زینب قاسم زاده مایانی، منیژه صوفیانی، سمیه طایفه مرندی، لیلا بهرام، الهام آسیابی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۲۱-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: پایگاه اجتماعی معلمان
شناسه افزوده: صوفیانی، منیژه، ۱۳۴۸
شناسه افزوده: طایفه مرندی، سمیه، ۱۳۶۱
شناسه افزوده: بهرام، لیلا، ۱۳۶۰
شناسه افزوده: آسیابی، الهام، ۱۳۶۳
رده بندی کنگره: PN۲۱۶۹
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۳۰
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۹۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: بررسی پایگاه اجتماعی معلمان
مولفان: زینب قاسم زاده مایانی - منیژه صوفیانی - سمیه طایفه مرندی - لیلا بهرام - الهام آسیابی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زیرجد
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۲۱-۶
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۷.....	پیشگفتار
۹.....	فصل اول: اهمیت جایگاه معلمان
۹.....	جایگاه معلمان
۱۰.....	نقش آموزش و پرورش در جامعه:
۱۴.....	نقش معلم در آموزش و پرورش و جامعه:
۱۹.....	فصل دوم: پایگاه اجتماعی
۱۹.....	اهمیت پایگاه اجتماعی معلمان
۲۰.....	الف- امیل دورکیم
۲۱.....	ب- کارل مارکس
۲۴.....	منابع دارایی:
۲۵.....	قدرت:
۲۵.....	منابع قدرت:
۲۵.....	حیثیت:
۲۵.....	منابع حیثیت:
۲۶.....	نقش اجتماعی:
۲۸.....	ویژگی های نقش اجتماعی (به نقل از بهمنی، ۱۳۸۰).
۲۹.....	ویژگیهای پایگاه اجتماعی:
۳۵.....	پایگاه اجتماعی معلم و عوامل مؤثر بر آن

نقش وضعیت مالی معیشتی معلمان در پایگاه اجتماعی آنان	۳۸
نظام پاداش دهی به معلمان و پایگاه اجتماعی آنان	۴۵
فصل سوم: نقش گزینش و استخدام معلمان در پایگاه اجتماعی آنان	۴۹
انواع شایستگی :	۵۱
نقش نظام تربیت معلم در پایگاه اجتماعی معلمان :	۵۷
به سوی الگویی تازه از تربیت معلم	۵۹
پیشینه و گرایش های جاری	۵۹
منابع یادگیری معلم	۶۱
تدابیرها و جوه مربوط به یادگیر معلمان	۶۱
آموزش معلم به منزله یک تدبیر	۶۱
چند عاملی که هنگام تعیین راهبرد TE باید در نظر گرفت بدین قرارند	۶۲
نیازهای اساسی یادگیری معلمان	۶۳
تدابیری برای کوشش در جهت تربیت معلم	۶۴
خود مختاری مدرسه مستلزم خودمختاری معلم است	۶۵
روی کردی جامع به پیشرفت حرفه ای معلمان	۶۶
بازاندیشی در مورد موضوع تربیت معلم	۶۶
در الگوی جدید TE، باید موضوع هایی از این قبیل مدنظر قرار گیرند:	۶۶
فصل چهارم: پیشینه پایگاه اجتماعی معلمان	۶۹
- رابطه همبستگی شغل و تحصیلات پدر با پایگاه شغلی پسر:	۷۰
نمایش رابطه همبستگی بین پایگاه اجتماعی شخص و عوامل دیگر فردی و اجتماعی :	
	۷۱

پیشینه تحقیق:	۷۴
تاریخچه مطالعاتی تحقیق در ایران	۷۴
فصل پنجم: بزرگداشت معلمان و سیاستهای و بینش مسئولان در این خصوص	
	۸۳
بحث و نتیجه گیری	۸۹
در بررسی پایگاه اجتماعی معلمان از دیدگاه اولیاء دانش آموزان	۹۳
عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی معلمان	۹۷
پیشنهادهات	۱۰۷
منابع:	۱۰۹

پیشگفتار

در حال حاضر تعلیم و تربیت مهمترین اصل توسعه هر کشور است و رسالت انتقال مجموعه باورها، اندیشه ها، رفتارها و مهارت‌های جامعه به نسل جدید بر عهده آموزش و پرورش است. در واقع هر گونه پیشرفت و تحول در جامعه مستلزم آموزش و پرورش صحیح و قوی است، از آنجا که موفقیت آموزش و پرورش به عوامل آن وابسته است و در میان مجموعه عوامل معلمان مهم ترین نقش را ایفا می کنند، معلمان توجه ویژه‌ای را می طلبند. چنانکه هیچ کشوری نمی تواند از سطح معلمانش بالاتر رود. درک حساسیت نقش معلمان در فرایند تعلیم و تربیت از سوی عموم مردم جامعه و ارزش نهادن بر آن به مفهومی اشاره دارد که در جامعه شناسی معادل منزلت و پایگاه اجتماعی است. پایگاه اجتماعی، ارزشی است که یک گروه به یک نقش می دهد.

یکی از عوامل مهم در ایفای شایسته نقش معلمان انگیزه قوی آنهاست و از عوامل مهم در برانگیخته شدن انگیزه و ایجاد رغبت شغلی معلمان این است که معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار باشند. با این وجود شواهد و تحقیقات پیشین که توسط شهین بهمنی در سال ۱۳۸۰، برزگر و نویدی در سال ۱۳۸۰، راضیه نوری در سال ۱۳۷۵ و ...، نشان می دهد که منزلت اجتماعی معلمان در جامعه ما بسیار پایین است. این یک واقعیت است که فارغ التحصیلان پسر تمایل کمتری برای ورود به حرفه معلمی نشان می دهند و در بعضی کشورها معلمی بیشتر به عنوان حرفه زنان در نظر گرفته می شود.

جایگاه معلمان و پایگاه اجتماعی آنان یکی از موضوعات نگران کننده در دهه گذشته بوده است و این نگرانی به صورت بین المللی درآمده است، تلاشهای بسیاری برای پیدا کردن عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی معلمان در سطح جهانی صورت گرفته، تا از

این طریق بتوان منزلت اجتماعی معلمان را ارتقاء بخشید. در ایران با استناد به تحقیقات انجام گرفته چنانچه به عوامل مؤثر بر پایگاه اجتماعی معلمان توجه شود وبا شناخت این عوامل برای رفع مشکلات تلاش شود، بی تردید در امر آموزش و پرورش اثرات مثبت بسیاری خواهد داشت. این امر محقق را واداشت تا با انجام چنین تحقیقی در جهت عوامل مؤثر بر پایگاه اجتماعی معلمان قدمی در این راه مهم بردارد.

فصل اول: اهمیت جایگاه معلمان

جایگاه معلمان

برای اینکه معلمان به عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش و پرورش، بتوانند نقش خویش را به خوبی ایفا کنند، باید از منزلت و پایگاه اجتماعی شایسته ای برخوردار باشند. چنانچه پیائزه می گوید: زیباترین طرح اصلاح و بازسازی نظام آموزشی، در صورتیکه معلم به تعداد کافی و با کیفیت مطلوب در اختیار نباشد، با شکست روبرو خواهد شد (صافی، ۱۳۷۶). اگر باور عمومی بر این باشد که "بهترین ها، بهترین ها را می سازند" به پایگاه اجتماعی معلمان اهمیت فوق العاده ای خواهد یافت (برزگر و نویدی، ۱۳۸۰). معلمی که از پایگاه اجتماعی بالا برخوردار است، می تواند الگویی مناسب برای دانش آموزان باشد. بر اساس مطالعات انجام گرفته در کشورهای که از لحاظ آموزشی پیشرفته در معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند و شمار داوطلبان این شغل بیشتر از مشاغل دیگر است، چنانچه در ژاپن اعتقاد دارند که "شایستگی نظام آموزشی به اندازه شایستگی معلمان آن است" (امین ورزلی، ۱۳۷۹). تحقیقات نشان می دهد که تقریباً در تمام کشورهای اروپایی معلمان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند (براهنی، ۱۳۵۴).

در حالی که در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه معلمان نه تنها به شغل خود افتخار نمی کنند بلکه احساس سرشکستگی نیز می کنند همچنین، این نگرش در جامعه ایجاد شده که اغلب افرادی که به حرفه معلمی روی می آورند، در تصدی مشاغل دیگر توفیقی نیافته یا سرمایه ای برای فعالیتهای اقتصادی و تجاری نداشته اند

(برزگر و نویدی، ۱۳۸۰). در چنین شرایطی استقبال نکردن فارغ التحصیلان و جوانان از شغل معلمی چندان باعث تعجب نیست، این وضعیت سبب روی گردانی افراد با هوش و مستعد از شغل معلمی، افت کیفیت آموزشی، ناکامی نظام آموزش و پرورش در نتیجه برون داد و محصول نامناسب می شود.

در نتیجه، این موضوع محور بحث مجامع بین الملل قرار گرفته است. چنانچه در اکثر کشورهای جهان معلمان از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند و در گزارشی از یونسکو به نحو متقاعد کننده ای استدلال شده که آنچه در حال حاضر در اکثر کشورها از معلمان انتظار می رود، با پاداش ها و حقوقی که دریافت می کنند تناسبی ندارد» (آنتوان دی گراو، ۱۹۹۸) بنابراین می توان گفت بزرگداشت معلمان و شناسایی عوامل مؤثر در آن جهت اعتلای پایگاه اجتماعی آنان به اندازه خود تعلیم و تربیت حائز اهمیت است.

در این راستا محقق تصمیم گرفت پایگاه اجتماعی معلمان از دیدگاه سه قشر که بیشتر با معلمان در ارتباطند یعنی دانش آموزان و اولیاء آنان همچنین خود معلمان مورد ارزیابی قرار دهد. و اینکه هر کدام از این سه گروه چه عواملی را در پایگاه اجتماعی معلمان مهمتر می دانند. تا از این طریق عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی معلمان شناخته شود و شیوه ها و راهکارهایی مناسب جهت اعتلای منزلت عنصر اصلی آموزش و پرورش (معلم) به کار گرفته شود و در نهایت به بهبود کیفی تعلیم و تربیت در کشور منجر گردد.

نقش آموزش و پرورش در جامعه:

در مجموعه دگرگونی های اجتماعی قرن اخیر توجه روزافزون به آموزش و پرورش قابل توجه است، توجهی که تقریباً فراگیر و جهانی است. در جامعه امروز همه ملتها با هر نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته و در حال پیشرفت به مسئله تربیت توجه دارند و آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیتهای اجتماعی در مقیاس جهانی از اولویت خاصی بهره مند است. این توجه شدید بی دلیل نیست و بر منطقی قوی بنیاد گذاشته شده

است. چرا که تعلیم و تربیت انسان کاری پر ارج و در عین حال وقت گیر است و نتایج قطعی و نهایی آن تقریباً دیر آشکار می شود. ارجمندی آن از آن جهت است که آدمیت آدمیزاده به چگونگی تربیتش بستگی دارد (شکوهی، ۱۳۷۱). با آنکه تعلیم و تربیت آدمیزاده از بدو پیدایش او مورد توجه بوده است، اهمیت آن در قرون اخیر به طور فرآینده ای آشکار شده است. (تافلر^۱، ۱۹۸۰، به نقل از نویدی، ۱۳۷۴) می گوید: " با شروع انقلاب صنعتی و انتقال تولید اقتصادی از مزرعه به کارخانه، صاحبان اولیه معادن و کارخانه ها در کشورهای در حال صنعتی شدن، بویژه انگلستان، دریافتند که تربیت افراد بالغ اعم از روستائیان و افراد شاغل در صنایع دستی برای کار مفید در کارخانه تقریباً غیر ممکن است. آماده ساختن جوانان برای نظام صنعتی، بسیاری از مشکلات بعدی این نظام را حل می کرد. بر خلاف نظام سنتی، تربیت نیروی انسانی کارآمد برای جامعه از عهده و توان خانواده ها خارج بوده از این رو، وظایف اصلی خانواده به نهاد های تخصصی دیگر واگذار شد. تعلیم و تربیت کودک را مدارس بعهده گرفت و ساختار مرکزی دیگری برای جوامع صنعتی بوجود آمد که آموزش و پرورش همگانی بود از اواخر قرن نوزدهم به بعد، با هجوم موج دوم (انقلاب صنعتی) از کشوری به کشور دیگر، پیش رفتی در آموزش و پرورش حاصل شد، کودکان از سنین پایین تر مدرسه را آغاز می کردند، سال تحصیلی به تدریج طولانی می شد و نیز بدون وقفه بر سالهای تحصیل اجباری افزوده می شد.

امروزه حضور در مدرسه، برای مدت ۱۲ سال و یا بیشتر یکی از ویژگیهای مهم زندگی دانش آموزان در اکثر کشورها است در طول این مدت، دانش آموز، سالانه ۹ ماه، حداقل ۴۰ ساعت از اوقات هفتگی خود را به حضور در مدرسه اختصاص می دهد. بنابراین دانش آموزی که دوره دبیرستان را به پایان رسانده، حدود ۲۰ هزار ساعت را صرف مدرسه کرده است (بلوم، ۱۹۸۲، به نقل از نویدی، ۱۳۷۴). در عصر حاضر آموزش و پرورش کلید توسعه جوامع محسوب می شود و موفقیت و پیشرفت هر جامعه منوط به کیفیت تعلیم و تربیت آن است. بنابراین، چنانچه نظام آموزشی، همگام با تحولات

اجتماعی نباشد، جوابگوی نیازهای جامعه نخواهد بود. مردم عادی و صاحب نظران به یک اندازه پی بردند که ملتها و تمدنها از لحاظ کارایی و ماندگاری، ابتدا به قابلیت ذهنی که لازمه نوآوری و توسعه تکنولوژیکی است و سپس خرد آگاهانه که لازمه نظارت و کنترل تکنولوژی در چارچوب اجتماعی و سیاسی مطلوب است وابستگی دارند. قابلیت های ذهنی لازم بطور تلویحی به معنای آموزش و پرورش است زیرا که دستیابی به مهارتها و تخصص های عالی و بینش اجتماعی ژرف و پیچیده، به طور عمده در قلمرو نظام های رسمی آموزش و یادگیری میسر است. استمرار و بقای هر جامعه ای مستلزم آن است که مجموعه باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانستنیها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود. ساخت و کار یا وسیله این انتقال آموزش و پرورش است. (علاقه بند، ۱۳۷۰) آموزش و پرورش به معنی اعم مترادف با جامعه پذیری است یعنی فراگردی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و بطور کلی فرهنگ جامعه خود می پردازند. آموزش و پرورش به معنای احض فراگردی است که افراد بواسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان یافته در معرض آموزش منظم دانش ها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار گیرند.

در هر جامعه این وضعیت ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان های رسمی آن تشکیل می یابند. نظام آموزش و پرورش پدیده اجتماعی عاملی است که در تمام جوامع امروزی یافت می شود با وجود این که ساختار و طرز کار نظام های آموزشی از جامعه ای به جامعه دیگر متغیرند اما ویژگی های مشترک دارند. پیدایی و توسعه در این نظام ها حاکی از اهمیت و ضرورت انتقال و حفظ میراث فرهنگی، القای نظام های فکری و ارزش های اجتماعی و توسعه و ترویج دانش ها در قبول هر جامعه ای است. فهم درست آموزش و پرورش رسمی آموزشگاهی موقعی امکان پذیر است که واقعیت امر آموزش و پرورش را در وسیع ترین معنای آن مسئولیت جامعه تلقی کنیم. در آن صورت روشن خواهد شد که هر آن چه در زندگی اجتماعی اتفاق می افتد آکنده از امکانات و تجربه های آموزشی و پرورشی است شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و

تکنولوژیکی و فنی هر جامعه آموزشی و پرورشی را بنیان می نهد که دارای ویژگی و دشواریهای خاص خود اوست.

آموزش و پرورش از نظر اقتصادی جاذبه شدیدی دارد. در جامعه امروز تخصص و مهارت از طریق تربیت عمدی و تصمیم و تربیت نظام دار رسمی حاصل می شود و همین تخصص سطح زندگی خانواده و حتی جامعه را به کلی دگرگون می کند و به موضع بالاتر و بهتری ارتقا می دهد. وسیله ای چنین مؤثر و سودمند به حق مورد توجه باید قرار گیرد و از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردار شود (مصیری، ۱۳۷۶).

در گذشته نوع آموزش و پرورش هر فرد از طریق پایگاه اجتماعی والدین او معین می شد و آموزش و پرورش در تعیین شغل و پایگاه اجتماعی نقش قاطعی نداشت این وضع به مرور تغییر کرده است. بدین معنا که امروزه آموزش و پرورش در تعیین شغل و پایگاه اجتماعی فرد نقش مهمی ایفا می کند و از این رو از لحاظ تأثیر نحوه توزیع قدرت در جامعه از موقعیت مهمی برخوردار است در این معنا می توان از آموزش و پرورش به عنوان اهرمی برای تغییرات اجتماعی استفاده کرد. اقتدار و منزلت اجتماعی ناشی از آموزش و پرورش، اقتدار و منزلتی محقق و کوشاست نه محول و موروثی، بنابراین با روح اقتدار و منزلت محقق در جامعه قدرت آموزش و پرورش افزایش خواهد یافت» تصور کنید که در جامعه ای مردم به موجب عملکردشان به کسب مقام و منزلت قایل شوند و معیارهای عملکرد فقط مهارتها و صلاحیت هایی باشند که آنان در آموزشگاه و دانشگاه کسب کرده اند» (علاقه بند، ۱۳۷۵).

نهاد آموزش و پرورش در همه جوامع به موجب نیاز دائمی نسل های بشر به آموزش و پرورش پدید آمده و با قبول و تصدیق ضرورت آن تثبیت شده است. ساختار نهاد آموزش و پرورش در قالب نظام آموزش و سازمانهای بی شمار آن واجد افراد تعلیم یافته و حرفه ای است از قبیل: معلم، مربی، مدیر و دارای تسهیلات و تجهیزات و ابزارهای خاصی است نظیر: مواد وسایل آموزشی، برنامه، و روشهای آموزشی و علاوه بر آنها واجد آداب و مقررات و هنجارهای معینی است مثل: موازین اخلاقی، قوانین و مقررات که

در مجموع انگاره های رفتاری افرادی را که در این نهاد و سازمانهای آن کار می کنند مشخص می سازند. مثلاً معلمی که در خدمت نهاد آموزشی است نه فقط باید به دانش و مهارت های لازم برای ایفای وظایف آموزشی خود مجهز باشد بلکه در عین حال باید به موازین اخلاقی شغل و حرفه خود پایبند بوده و از قوانین و مقررات حاکم بر کار خود پیروی کند.

نقش معلم در آموزش و پرورش و جامعه:

در نظام آموزشی عواملی همچون افراد تعلیم یافته، تسهیلات و تجهیزات، آداب و مقررات و هنجارهای خاص، فضای آموزشی، و ... وجود دارد که شاید بتوان گفت یکی از مهم ترین عوامل نظام آموزشی و پرورش معلم است. و او می تواند نقص دیگر حوزه ها را تا حدود زیادی بر طرف و از فرصت های در دسترس بهترین استفاده در جهت کار آمدی خود داشته باشد. مدرسه نهادی است که شکل سازمانی خاص خود را دارد، اما در عین حال نوعی جامعه نیز هست. معلم در این جامعه در دنیای خاص خود که بین دنیای کودکان و بزرگسالان واقع شده به سر می برد. می گویند او «بزرگسالی است در میان کودکان و کودکی است در میان بزرگسالان» این سخن مانند اکثر شوخی ها و اظهار نظرها مبالغه آمیز است، اما در آن حقیقتی نهفته که یکی از مشکلات حرفه ی معلمی را آشکار می کند «(ایورموریس، ۷۳۷ ص ۲۳۶).

صاحب نظری اظهار می دارد که « معلم حد واسط دنیای واقع و دنیای آرمانی است» و بیشتر شاگردان معلمان خود را به ارائه تصاویری از شرایط بسیار غیر واقعی یا آرمانی و دور بودن از زندگی واقعی متهم می کنند و نقش تدریس چیزی است اکتسابی و این نقش باید ساخته شود. (به نقل از بهمنی ۱۳۸۰).

نقش معلم چیست؟ اصولاً نقش دو جنبه دارد زیرا که هر جنبه ارزشی دارد و از آن انتظار می رود و این دو جنبه یکی طرز کار دیگری برخوردار با دیگران است مسئله ای دیگر آن است که خود شخص از آن چطور برداشت می کند و دیگران راجع به آن چه عقیده و انتظاری داشته باشند. نقش معلم آن چیزی است که او انجام می دهد و این کار

بر مبنای معلومات خود او و برنامه و سیاست مدارس مختلف قرار دارد. به همین علت وظیفه یا نقش معلم در مرکز پیش دبستانی مانند کار او در دبیرستان نیست.

رابطه ی نزدیکی بین تصور و خواسته ی شخصی از شغل، در اثر و قضاوت جامعه خواهد بود و به همین علت اهمیت بعضی مشاغل تغییر می کند و در انتخاب شغل آینده انسان اثر می گذارد.

این مسئله درباره ی (شغل) معلمی بسیار مهم است و هر طور معلم به خود بنگرد و خود را قضاوت کند جامعه هم به همان روال نسبت به او فکر خواهد کرد و چگونگی قضاوت جامعه درباره ی شغل معلمی، در انتخاب این شغل بین جوانان تأثیر خواهد گذاشت.

نظر جامعه نسبت به معلم چیست؟ اغلب اشخاص در ذهن خود برای هر شغلی یک تصویری دارند و یک شغل را مجسم می کنند. «مطالعه ای کامل درباره ی این که اجتماع از معلم چه انتظاری دارد انجام گرفت و به این نتیجه رسید که از معلم انتظاری می رود که تمام حرکات و رفتارش بر مبنای ارزش های اجتماعی باشد و سر مشق خوبی از رفتار و اخلاق باشد و هیچ گناهی مرتکب نشود. معلم باید یک انسان بی طرف و قاضی درست باشد» (به نقل از بهمنی ۱۳۸۰).

معلمین را اغلب غریبه ی اجتماعی می نامند و این به علت موقعیت کاری آن هاست. اولاً معلم بیشتر عمر خود را در بین بچه ها می گذراند و حتی با والدین هم به وسیله ی بچه ها و برای بچه ها در تماس است. زندگی او همیشه در اطراف مسایل، مشکلات امتحانات و مدرسه می چرخد و روی هم رفته از زندگی معمولی یک انسان در جامعه محروم است در عین حال معمولاً بچه ها او را از خود نمی دانند زیرا بر آنها حکومت می کند و باید به آن ها درس بدهد و آن ها را امتحان کند و دستور بدهد و تنبیه کند. ثانیاً معلم در دو جهت زندگی میکند و از جامعه ی اصلی خود جداست و اکثر دراجتماع زندگی می کند ولی جزء آن اجتماع نیست نه از لحاظ علمی و نه از لحاظ اجتماعی، چنان که گفته می شود نقش اصلی معلم برقراری پلی بین دنیای امروز و